

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مریم (جله، هشتم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۳/۱۲/۲۷

برای سلامتی، عاقبت بخیری، خوشبختی و سعادت‌مندی خودمان صلواتی عنایت بفرمائید.

برای اینکه ان شاءالله در روزهای آخر سال یک ارزیابی درستی از زندگی داشته باشیم و بتوانیم نواقصی را که داشتیم جبران بکنیم **صلوات**

آخر سال بیشتر وقتی آدم به کارهای عقب مانده خودش نگاه می‌کند، باید از جهاتی خوشحال باشد و از جهاتی ناراحت که کارهایی می‌خواسته انجام داده یا نداده. برای اینکه به لطف و کرم خدا نواقص مان برطرف و جبران کنند **صلوات**

در ذکر حضرت زکریا(ع) نشان می‌دهد که خیلی از کارها برای خدا راحت است.

نتیجه داستان یحیی(ع) این است که انسان‌هایی وجود دارند که در روز تولد، مرگ و روز حشر در سلام هستند. ما باید در موضوع نسل و اینکه چگونه فرزندانمان داشته باشیم، به این آیات توجه کنیم و آرزو کنیم که خداوند فرزندانمان به ما عطا کند که هر لحظه زندگی‌شان سلام باشد.

ماجرای حضرت مریم(ع) حادثه عجیبی است که در قرآن نقل می‌شود اما برای خدا معمولی است که از غیر مسیری که آدم‌ها بچه‌دار می‌شوند، کسی را بچه‌دار کند.

این خیلی جالب است که قضیه حضرت مریم(ع) هم آیه است و هم رحمت، برای انسان‌ها و هر فردی که داستان مریم(ع) را بخواند، رحمت خدا برایش جاری می‌شود.

پنج اصل از جریان حضرت عیسی(ع) بدست می‌آید و خیلی خوب است که این‌ها را با خود مرور کنیم تا در وجودمان ایجاد بشود لذا آیات بین این داستان خیلی مهم است.

آدم باید بلد باشد قرآن را به حالت‌های مختلف بخواند و هرگاه وقت ندارد باید بتواند یک سوره را در پنج دقیقه بخواند به این صورت که آیه‌های سرشاخه را می‌خواند.

ما خیلی وقت‌ها لازم داریم که وقتی یک سوره را مرور می‌کنیم قسمت‌های کلی سوره برایمان یادآوری بشود و هرکدام از این‌ها پیام‌هایی داشته باشد.

در آیات حضرت موسی (ع) بحث به میقات رفتن حضرت و شنیدن کلام خدا اهمیت پیدا کرده است.

سوره تا جایی که جریان پیامبران علیهم السلام را نقل کرده از واژه "وهب" استفاده کرده است. یعنی یک چیزهایی را به آن‌ها موهبت کرده است؛ اما از آیه ۵۴ تغییر می‌کند.

آیه مبارکه ۵۴: اینکه یک وصفی کنار یک وصف دیگر قرار می‌گیرد به آن عظمت می‌بخشد و این یعنی صفت "صادق الوعد" خیلی مهم است که کنار نبی (ع) قرار گرفته است. ما رسول و نبی نیستیم اما صادق وعد می‌توانیم باشیم.. این‌ها روش ارتباط پیدا کردن با انبیا علیهم السلام است.

"صادق الوعد" یعنی نسبت به وعده‌هایمان صادق باشیم و این از همین وعده‌های ساده شروع می‌شود و بعد می‌رود به سمت وعده‌های الهی.

در سوره، ظرافت‌های خاصی ذکر کرده است تا کسی نگوید که اینها رسول نبی بودند، این‌ها کجا و ما کجا؟!

واژه صدیق و صادق الوعد بیشتر مربوط به دوره پنجم رشد و بالاتر از آن است زیرا فرد باید یک مسئولیتی داشته باشد که در ازای آن تعهدی بدهد که بر اثر آن یک کاری بر او محول شود و این از هفت سال چهارم به بعد آغاز می‌شود. اولین جایی که یک سری تعهدات مهارتی مطرح می‌شود از موضوع ازدواج و فرزندداری است.

هر صفتی که برای سنین بالا هست در سنین پائین به صورت مهارتی و کاربرد وجود دارد. هیچ صفتی نیست که از تولد تا مرگ باشد مگر اینکه تبدیل داشته باشد که در اینصورت صفت سرچایش است اما نوع استفاده متفاوت است.

گاهی یک فردی که رکن یک خانواده می‌شود اگر صادق الوعد نباشد، رکن خانواده را بهم می‌ریزد.

آیه ۵۶: در مورد حضرت ادریس (ع) خیلی اطلاعاتی نمی‌دهد و همین مقدار مطرح می‌کند که جایگاه بسیار رفیعی داشت‌اند؛ برخی از مفسران معتقدند که انتقال سواد و دانش از ایشان شروع شده است. بطور کلی فرآیند نظام تعلیم و تبدیل علم به تعلیم توسط حضرت ادریس (ع) بوده است.

آیات مبارکه ۶۴ و ۶۵: این آیات خیلی مهم است که ما خدا را فراموشکار نبینیم. فراموشی در قاموس خداوند عزوجل نیست.

همین مقدار که بدانیم زندگی دنیایی وصل به یک ملکوت است و پشت صحنه زندگی اش ملائکه خدمت رسانی می کنند نکته مهمی است و هر اتفاقی که برای ما می افتد به واسطه نزول یک امری است. این در واقع یک نوع اتصال است. اگر کسی این موضوع را متوجه شود سیستم عبادتش روشن می شود و اگر کسی عبودیت نداشته باشد به این خاطر است که جریان حیات را یک جریان منقطع می داند و این طور نمی داند که اتصالی دارد با دنیای امر که به وسیله ملائکه نزول پیدا می کند و اگر قطع شود دیگر حیات نخواهد داشت.

هر ابتلائی که با آن مواجه می شوید، اگر هر کسی طبق آن چیزی که خدا گفته عمل کند و بعد عجله نداشته باشد و به حکم خدا عمل کند و عبودیت اش را ترک نکند، خداوند به او نشان می دهد که فراموشش نکرده است.

مشاهده بعضی چیزها در زندگی جالب است یعنی یکی از مواقف حمد این است که در شرایط اضطرار، خدا را ببینی. یعنی به خاطر ستودن خدا می خواهم مشاهده کنم نه این که خدا را بیازمایم، چون اینها با عبودیت جور در نمی آید.

یکی از مواقف حمد، حمد در مواقع اضطرار است.

به اراده خدا امر می گویند.

آیات بالا، مشاهده آدمی است که حقیقت را در سطح بالا درک کرده است. یعنی منظر کسی مانند زکریا (ع) یا یحیی (ع) یا مریم (س) نامی، پیرامون قیامت، دنیا و عذاب.

آیه ۶۷: آدم وقتی بخواهد برعکس فکر کند اینطور می شود که مثلا اینکه چگونه زنده می شود و یا اینکه قیامتی هست برایش مهم می شود اما درست این است که فکر کند به اینکه شی ای نبوده و سپس زنده شده و موجود گشته است.

آیه ۶۸: این آیات تعبیر کنایی، ادبی و بلاغی اش خیلی زیاد است. حشر به معنی جمع کردن و "لنحضر" به معنی حاضر کردن است. حالا اینها حشرشان با شیاطین است یعنی با شیاطین یک جا جمع می شوند و حول جهنم حاضر می شوند مثل اینکه جهنم اینها را حاضر می کند. "جثیا" یعنی یک نوع حالت اضطرار که به هر حال نتیجه درماندگی و واماندگی است.

این آیات خیلی نکات جالبی دارد و پرده از حقیقت حشر، حضور و نزع بر می‌دارد که وقتی اینها را مولفه مولفه کنید و کنار هم بگذارید جالب می‌شود.

این یک واقعه‌ای که قرار است در آینده اتفاق بیفتد نیست بلکه همین الان در حال وقوع است این احوال ما در زندگی امروز است که در ناامیدی و گریه و جزع و فزع به سر می‌بریم.

تضرع آدم به این خاطر است که طبعش به رحمانیت است و این حس خوبی به او می‌دهد. چون در آغوش قرار می‌گیرد و آرام می‌گیرد.

یکی از صفات جهنم دل مردگی است "لا یموت و لا یحیی"

یکی از زیباترین، بهترین و شیواترین آیات در حوزه رشد در لابلای آیات جهنم است که لطایف و دقایق زیادی در این آیات نهفته است. آن مقدار که نکات ظریف و دقیقی برای تعالیم و رشد در آیات جهنم است در آیات بهشت نیست! آیات جهنم اندازی و آیات بهشت بشارتی است.

یکی از نکات جالبی که در قرآن خیلی اهمیت دارد این است که ماهیت انسان اجتماعی است و خدا روی این خیلی تمرکز کرده است بالاخص در آیات جهنم و این به این معنا است که رفتار و باورهای انسان به صورت تکوینی او را در گروهی از آدم‌ها قرار می‌دهد حال چه بفهمد و چه نفهمد! یعنی انسان به طور تکوینی در هر لحظه زندگی در گروهی قرار دارد که با آنها محشور می‌شود حتی قیامت هم که به صورت فردی است به صورت اجتماعی ظاهر می‌شود.

ساعات پایانی سال است و همه در فکر کم و کاستی‌ها و خانه تکانی قلب و ذهن هستند، از خدا می‌خواهیم توفیق ارزیابی درست و شناخت درست عیب‌های مان را به ما بدهد، به صورتی که بتوانیم آن‌ها را تفصیلی کنیم و بشناسیم و بعد هم برطرف کنیم. اگر انسان عیب خودش را بشناسد، به تحقیق آن را برطرف می‌کند و اگر هم کسی هم نتوانسته عیبش را برطرف کند و یا آن را نشناخته، حتما بروزات آن را دیده است. از خدا بخواهیم عیوب مان را به صورت تفصیلی به ما بشناساند تا آن‌ها را برطرف کنیم و دعا کنیم خدا خوبی‌هایی را به ما معرفی کند تا بتوانیم به صورت تفصیلی به آن عمل کنیم.

سال بعد را به نام صدیقه طاهره (س) شروع کنیم که اسم‌شان مظهر "یا جامع کل فوت" است. حضرت می‌توانند هر هزینه‌ای که از کسی ضایع شده را جبران کنند زیرا ایشان مظهر غفران خداوند هستند.. ان شاء الله به وسیله حضرت زهرا (س) نقص‌ها و کاستی‌های ما جبران بشود.

دعای بعدی مان هم درک شب قدر و درک حضرت صدیقه کبری (س) باشد. موقع تحویل سال یادمان باشد که حضرت زهرا(س) مانند حضرت حجت (عج) معادل شب قدر هستند. از خداوند بخواهیم که برای یک بار هم که شده در زندگی مفهوم شب قدر را به ما بیچشانند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات